



اول ماه می

روز جهانی کارگر گرامی باد

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)

به مناسبت اول ماه مه ۱۳۸۱ (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی

کارگران و زحمتکشان خجسته باد

شكل گیری جنبش کارگران و نمایش اول ماه مه

رزا لوکزامبورگ

اصحابه با یکی از فعالین جنبش سندیکائی و کارگری ایران

همبستگی بین سندیکاهای واحزاد چپ ضروری است

در صفحات ۴ و ۵

اعتراضات کارگری

کارگران کارخانه چیت کرج جاده را بستند

اعتراض جنبه سیاسی نداشت. یک زن کارگر معارض نیز گفت در سال گذشته از فروش آهن آلات اسنایپلی موجود در این کارخانه پیش از هشت میلیارد ریال عاید کارخانه شد. اگر همین پول را به کارگران پرداخت قوه قضائیه فرست تامل بیشتری در آرایش برای این «بازاندیشی» بسیار حساس و سرنوشت‌ساز در اختیار دکتر یزدی و دولستان وی قرار دهد زیرا هدف نهایی ایجاد محیطی مناسب برای شکل گیری «وقایع ملی» است. ادامه در صفحه ۲

کارگران معارض کارخانه چیت از نخستین ساعات روز شنبه با مسدود کردن یاند چنوبی خیابان پیشتری رفت و آمد خود رواها از غرب به شرق کرج را متوقف ساختند.

کارگران چنانچه چیت کرج که برای چندین بار دست به اعتراض می‌زنند، پهلوان تعریق پرداخت چندین ماهه حقوقشان در دو سمت خیابان مقابل کارخانه به تحصین نشستند. یکی از کارگران کارخانه از مشکل خواست که به موضوع

تجمع کارگران چیت
شرکت شدند. پس از تجمع کارگران در ساختمان مرکزی بنیاد مقرر شد قوه قضائیه تکلف مالکیت این واحد را روشن کند.

در این شماره

آقای رضا پهلوی! میادا کلید زبانشان در جیب شارون جاماند

فرخ نکهدار

کنگره فدائیان (اکتربیت) و واکنشها

سهراب مسیری

دو راه بیش روی اصلاحات

میرصادق غفاری حسینی

در صفحه ۷

مارکس و مدرنیته

بررسی های از نویسنده کتاب «مارکس و سیاست مدرن»

در صفحه ۹

وفاق ملی با ساختار گنوی نظام عملی فیست

الف: خروج از مواضع تعليقی بر روی مرزهای پوزیسیون، اصلاحات نیز کامی فراز از حایث لفظی از آنان نخواهد داشت گنوی در دایره قیمت (سیاسی) حکم آن بوده است که زندان نصیب آنان و قدرت و مقام سیاسی از آن جناح مذکور گردد.

ب: شبهه هموئی با منافع آمریکا و دوری از منافع ملی را به ذهن متبار می‌کند و اتخاذ مواضعی که تقارب بیشتری با احتمال تحول در نظرات یزدی خبر می‌دهد و سپس سه شرط را برمی‌شاره و می‌نویسد: بعید نیست شاده رساند، است و همواره این مجبور شده‌اند در بیرون از ماده اینده باشیم تحولی که زمین به تشویق بازیگرانی پیرا زاند که خویشتن را بی سایه از آنان را از نظام چند و به اپوزیسیون نزدیک کرد و حدائق وصول به نوعی قرائت از ولایت فقیه که قابل دفاع باید.

در پایان این مقاله اند است: شاید فارغ از پرسوه حقوقی هراهاش برداشته و فضای را برای پژوهندگان پیش از این می‌شانند. نظری حمایت‌های پژوهنده دانست - قانونی در آینده‌ای نه‌چندان دور ممکن مصلحت و تدبیر آن باشد که مسابق گرداند.

قوه قضائیه فرست تامل بیشتری در آرایش برای این «بازاندیشی» بسیار حساس و سرنوشت‌ساز در اختیار دکتر یزدی و دولستان وی قرار دهد زیرا هدف نهایی ایجاد محیطی مناسب برای شکل گیری «وقایع ملی» است.

نخواهد کرد و جناح موسوم به اصلاحات نیز کامی فرادر از آن نخواهد داشت گنوی در ادامه از احتمال تحول در نظرات یزدی خبر می‌دهد و سپس سه شرط را برمی‌شاره و می‌نویسد: اکنون گذشته نیز است می‌نویسد: اکنون پس از گذشت سال‌های متمادی از عمر سیاسی، یزدی دریافت نیست که نیز از آزادی است که ادامه روند حرکت بر روى لبه تیغ هر چند به ظاهر منافع را نصیب آن کرده است ولی عملی فرستهای بسیار را از آن می‌گردند. پیام محافظه کاران به نیز است از آزادی را از این رساند و نوشته‌ها پیدا و پنهان از «تحول» در رفتار محافظه کاران خبر می‌دهند و در آستانه دستگیری دسته‌جمعی نیروهای ملی - مذهبی ستاریوی می‌گردند. پیام از محققان بازار نوشته، این روزها بازار نوشته، تفسیر، سرقاشه، خبر و اظهار نظر در باره «وفاق ملی» یا «همگرایی ملی» در رساندها، مطبوعات و ایستاده محافظه کاران داغ است و نوشته‌ها پیدا و پنهان از «تحول» در رفتار محافظه کاران خبر می‌دهند و چنین القا می‌کنند که «اصلاحات» بازیگرانی می‌گذرد شده و زمان گذار به دوران «هزیستی» اصلاح طلبان و حتی بخشی از سرکوب نیروهای ملی - مذهبی تا زمانی که تغیر ایجاد می‌یافتد. اکنون همین نیابت از محافظه کاران نشده، ادامه می‌یافتد. اکنون همین نویسندۀ به سفارش رعیتی این روز بعد از بازگشت یزدی به تهران رندان پیش خواهان اعلام شرایط پژوهنده بدانسته از آنها از تحریر کرد. انتظار می‌زدند وی این روزی غیر معمولی تصویب کرد. آزادی تاکید کرده و در باره «نقله تحول» به قلم امیر محبیان پیام عدم تجدید نظر در رفتار آغاز کرد. وی در این مقاله به

گذشته نیز است می‌نویسد: اکنون پس از گذشت سال‌های متمادی از عمر سیاسی، یزدی دریافت نیست که نیز از آزادی است که ادامه روند حرکت بر روى لبه تیغ هر چند به ظاهر منافع را نصیب آن کرده است ولی عملی فرستهای بسیار را از آن می‌گردند. پیام محافظه کاران به نیز است از آزادی را از این رساند و نوشته‌ها پیدا و پنهان از «تحول» در رفتار محافظه کاران خبر می‌دهند و در آستانه دستگیری دسته‌جمعی نیروهای ملی - مذهبی ستاریوی می‌گردند. پیام از محققان بازار نوشته، این روزها بازار نوشته، تفسیر، سرقاشه، خبر و اظهار نظر در باره «وفاق ملی» یا «همگرایی ملی» در رساندها، مطبوعات و ایستاده محافظه کاران داغ است و نوشته‌ها پیدا و پنهان از «تحول» در رفتار محافظه کاران خبر می‌دهند و چنین القا می‌کنند که «اصلاحات» بازیگرانی می‌گذرد شده و زمان گذار به دوران «هزیستی» اصلاح طلبان و حتی بخشی از سرکوب نیروهای ملی - مذهبی تا زمانی که تغیر ایجاد می‌یافتد. ادامه می‌یافتد. اکنون همین نویسندۀ به سفارش رعیتی «افق ملی» را در همین روزنامه نوشته است که تا چند هفته پیش خواهان اعلام شرایط پیش از این می‌گردند و به آنها از تحریر کرد. انتظار می‌زدند وی این روزی غیر معمولی تصویب کرد. آزادی تاکید کرده و در باره «نقله تحول» به قلم امیر محبیان پیام عدم تجدید نظر در رفتار آغاز کرد. وی در این مقاله به

این روزها بازار نوشته، تفسیر، سرقاشه، خبر و اظهار نظر در باره «وفاق ملی» یا «همگرایی ملی» در رساندها، مطبوعات و ایستاده محافظه کاران داغ است و نوشته‌ها پیدا و پنهان از «تحول» در رفتار محافظه کاران خبر می‌دهند و چنین القا می‌کنند که «اصلاحات» بازیگرانی می‌گذرد شده و زمان گذار به دوران «هزیستی» اصلاح طلبان و حتی بخشی از سرکوب نیروهای ملی - مذهبی تا زمانی که تغیر ایجاد می‌یافتد. ادامه می‌یافتد. اکنون همین نویسندۀ به سفارش رعیتی «افق ملی» را در همین روزنامه نوشته است که تا چند هفته پیش خواهان اعلام شرایط پیش از این می‌گردند و به آنها از تحریر کرد. انتظار می‌زدند وی این روزی غیر معمولی تصویب کرد. آزادی تاکید کرده و در باره «نقله تحول» به قلم امیر محبیان پیام عدم تجدید نظر در رفتار آغاز کرد. وی در این مقاله به

نقض فاحش حقوق بشر

در مصوبه اخیر سنای آمریكا

۱۸ آوریل ۲۹ (فوردین) سنای آمریکا با ۹۷ رأی موافق و بدون رأی مخالف، لایحه پیشنهادی دو سناتور راکه یکی از آنان، سناتور ایالت کالیفرنیا محل زندگی اکتربیت ایرانیان مقیم این کشور است، دایر بر منع صدور ویزای غیرمهاجرت برای اتباع ایران، عراق، سوریه، سودان، لیبی و گردش شناسایی تصویب کرد. انتظار می‌زدند وی این روزی بدین سوی غیر معمولی مجلس نمایندگان این قرار گیرد و با اعضا جرچ دبلیو پوس رفیقی می‌چهور، به قانون تبدیل شود. در این صورت، غیر از کسانی که تضادی مهاجرت به آمریکا می‌کنند، برای اتباع شش کشور نامیرده که از نظر دولت آمریکا، دولتهای آنها از تحریر می‌گردند، ویزای پیش از اینها از تحریر می‌گردند، مگر در موارد استثنایی کسانی که ورود آنها به آمریکا ممکن است، کشور را تهدید نمی‌کنند، که همه مهاجرت به آمریکا، دولتهای آنها از تحریر می‌گردند، ویزای دولت آمریکا، دولتهای آنها از تحریر می‌گردند، مگر در موارد استثنایی کسانی که ورود آنها به آمریکا ممکن است، کشور را تهدید نمی‌کنند، که همه این موارد استثنایی باشد می‌زدند ویزیر خارجه آمریکا قوارکیرد. علاوه بر این، مصوبه مزبور مقرر می‌زدند که شهروندان این سنای آمریکا، دانشجویان تبعه شش کشور نامیرده راکه در کلاس‌های درس حضور نمی‌یابند یا امتحان نمی‌دهند، به مقامات دولتی معرفی کنند. تبدیل این لایحه به قانون بدین معنی است که: اولاً میلیونها نفر بستگان ایرانیان مقیم آمریکا از ورود به آمریکا به منظور دیدار خویشاوندان خود محروم شوند. ثانیاً آن دسته از ایرانیان مقیم آمریکا که شهروند این سنای نیستند و کارت سبز نیز ندارند، در صورت خروج از آمریکا نتوانند به این کشور باز گردند. ثالثاً اتباع ایران نتوانند به منظور تحصیل یا کار موقت به آمریکا بروند. رابعاً دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا تحت مراقبت پلیسی شدید قرار گیرند. این مقررات، به نوحک مسابقه حقوق هموطنان مادر آمریکا را تهدیف می‌کنند و از این ربه حق، اعتراض گشته است. دمکرات، دانشگاه‌هایان و جامعه ایرانیان مقیم آمریکا را براحتی تکلیخه است. پایه ای این لایحه در مقامات دولتی می‌شود که این مصوبه در این سنای نیستند و کارت سبز نیز ندارند، در صورت خروج از آمریکا نتوانند به این کشور باز گردند. ثالثاً اتباع ایران نتوانند به منظور تحصیل یا کار موقت به آمریکا بروند. رابعاً دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا تحت مراقبت پلیسی شدید قرار گیرند. این مقررات، به نوحک مسابقه حقوق هموطنان مادر آمریکا را تهدیف می‌کنند و از این ربه حق، اعتراض گشته است. دمکرات، دانشگاه‌هایان و جامعه ایرانیان مقیم آمریکا را براحتی تکلیخه است. آمریکا نیز در فعالیت علیه این مصوبه شرکت دارد. تصویب لایحه فوق الذکر در ادامه برقراری جو پلیسی به بیانه مبارزه با

شیده یاری می‌گیرد. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شریور ۱۳۸۰)، توریسم صورت می‌گیرد. این می‌گردید که از آن کشور این سنای می‌گردند و به آنها از تحریر کرد. انتظار می‌زدند وی این روزی غیر معمولی تصویب کرد. آزادی تاکید کرده و در باره «نقله تحول» به قلم امیر محبیان پیام عدم تجدید نظر در رفتار آغاز کرد. وی در این مقاله به



گزارشی از گردهمایی زنان ایرانی برای اعلام همبستگی با زنان فلسطین

در صفحه ۳

نامه جمعی از نویسندهان و هنرمندان کشور

به یاسر عرفات

مقاومنت شما و ملت شما را تحسین می‌کنیم

ما همراه و هم‌زخم شما و ملت صلح طلب و آزاده فلسطین هستیم

در صفحه ۲

شیده یاری می‌گردند و تیغه ای ایالات متحده به سمت بدیهی مشی سرکوبگرانه در قبال هر آن کس که مظلونون تلقی شود

گرایش یافته‌اند و حقیقت بحث را روایت کنند و این اتفاق ایجاد شده است. اکنون، سنای آمریکا در

نتیجه اعمال تروریستی پیش کشیده شد. اکنون، سالهای استادان دانشگاه

شیده یاری می‌گردند و تیغه ای ایالات متحده به سمت بدیهی مشی سرکوبگرانه در قبال هر آن کس که مظلونون تلقی شود

گرایش یافته‌اند و حقیقت بحث را روایت کنند و این اتفاق ایجاد شده است. اکنون، سنای آمریکا در

نتیجه اعمال تروریستی پیش کشیده شد. اکنون، سالهای استادان دانشگاه

شیده یاری می‌گردند و تیغه ای ایالات متحده به سمت بدیهی مشی سرکوبگرانه در قبال هر آن کس که مظلونون تلقی شود

گرایش یافته‌اند و حقیقت بحث را روایت کنند و این اتفاق ایجاد شده است. اکنون، سنای آمریکا در

نتیجه اعمال تروریستی پیش کشیده شد. اکنون، سالهای استادان دانشگاه

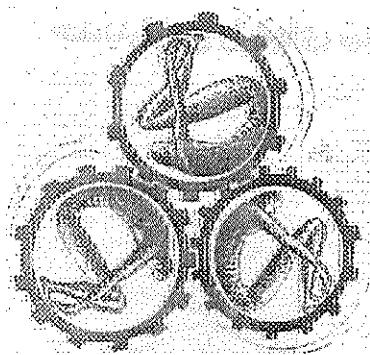
شیده یاری می‌گردند و تیغه ای ایالات متحده به سمت بدیهی مشی سرکوبگرانه در قبال هر آن کس که مظلونون تلقی شود

گرایش یافته‌اند و حقیقت بحث را روایت کنند و این اتفاق ایجاد شده است. اکنون، سنای آمریکا در

نتیجه اعمال ت

اعلامیه هیأت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان خجسته، باد



بوده است، شناسایی حق اختصار و حق تشکیل، ارائه خدمات درمانی و پیمایدای مناسب، لغو قراردادهای موقت کار از جمله عضده ترین خواسته ها و مطالبات جنیش مبارزاتی کارگران و مردمگیران در سال گذشته بودند.

کارگران و مزدیگیران در شرایط بسیار دشوار، علیرغم سرخستی کارفرمایان بخش خصوصی و دولتی، با دست زدن به اشکال متغیر مبارزاتی و اعتراضی و با اتحاد یافته از گذشته کوشیدنده ضسن حراست و دفاع از دستاوردهای گذشته جنبش مبارزاتی خود در مقابل تعریض دولت و کارفرمایان خواسته ها و مطالبات حق طلبانه خود را نیز مطرح کنند اما دخالت نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی در تظاهرات و اجتماعات سالم است آمیز کارگران و مزدیگیران و ضرب و جرح و بازداشت کارگران گرسنه پاسخ مکرری بود که با آن مواجه شدند. آنان در هر اقدام و حرکتی که همراهی و یکپارچه حرکت کردند توانستند تا حدودی دولت و سرمایه داران را به عقب نشینی و ادارنده اما دستاوردهای مبارزاتی سال گذشته به نسبت حجم و گستردگی اعتراضات اندک بودند. مبارزات همچنان عدالت تدافعی یا قی مانند و دامنه اتحاد عمده ای در سطح واحد های فعالیت محدود ماند.

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این خواسته‌ها را بدینهیه ترین حقوق پایه‌ای کارگریان و زحمتکشان می‌داند و از مبارزات آنان برای تحقق این خواسته‌ها و برای خشی کردن تجاوز و تعرض دولت و سرمایه‌داران به حقوقشان از آنیان دفاع و پشتیبانی می‌کند. ما همه نیروهای چپ، از ایدیخواه و عدل‌التحواد و مطبوعات مستقل را

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق
ران (اکثریت) این خواسته‌ها را بدینهیه ترین
نونق پایه‌ای کارگرگان و زحمتکشان می‌داند و
مبادرات آنان برای تحقق این خواسته‌ها و
سرای خشی کردن تجاوز و تعرض دولت و
رمایه‌داران به حقوقشان از آنیان دفاع و
نشیانی می‌کند. ما همه نیروهای چپ،
ادیبخواه و عدالتخواه و مطبوعات مستقل را

و در جهت صحیح پیش خواهد رفت. براساس این وعده‌ها قرار بود نزخ تورم نیز کاهش یابد. اما گذشت زمان نادرستی این وعده‌ها را اشکار کرده و همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، شکست این برنامه را در عمل نشان داد. هیچ‌گدام از اهداف مرحله‌ای برنامه نه تنها به نتیجه ترسیدند بلکه در اکثر موارد نیز با عقبگردهای مواجه شدند.

کارمندان، معلمان و فرهنگیان، پرسنل اداری و
بیماری دیگر از حقوق بگیران در سال گذشته
در سراسر کشور گسترش یافتد. تظاهرات
زنگیری‌ای معلمان با خواست افزایش دستمزد و
خواستهای دیگر، یکی از بزرگترین و با
اهمیت‌ترین اعتراضات حقوق بگیران در
سال‌های پیش از انقلاب بود، که در سال گذشته
بوقوع پیوست اما توسط نیروهای انتظامی
امنیتی با خشونت سرکوب شد. هم اینک نیز کرد
در آستانه اول ماه مه قرار داریم باز دیگر
معلمان تهدید به اعتضاب کردند و موچی از
اعتراضات کارگری در بیماری از نقاط کشور
جزیران دارد. اعتضاب غذای کارگران ایران
خودرو، اعتضاب و تحصن کارگران نساجی
سمان، چیتسازی کرج و ری، تظاهرات
کارگران جامکو از جمله اعتراضات اخیر
کارگران می‌باشد. پرداخت دستمزد و حقوق
معوقه، افزایش دستمزدها مناسب سایزبان
و اقفعی تورم و سطح هزینه‌های خانوار،
قرارگرفتن بیکاران تحت پوشش بیکاری، کار و
امنیت شغلی، افزایش حق مسکن، افزایش
کمکهای غیرنقدی، توقف روند قانونی
کارزار دائمی، مخالفت با خصوصی‌سازی خانه
بی‌ضابطه و مغرب که همواره با رها کردن
کارگران موسات خصوصی شده بحال خود

پافشاری سرخтанه دولت بر ادامه
سیاستهای اقتصادی اش سبب‌ساز بسیاری از
اعتداءات و اعتراضات است.

کارگران، حقوق بگیران و زحمتکشان
هیأت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق
ایران (اکتریت) فرا رسیدن اول ماه مه، روز
هیستگی کارگران جهان را به شما تبریک
نمودند و شما را شاداب نهادند و سکان
آوردند.

موقفیت و پیروزی آرزو می کند.
امال در حالی به استقبال اول ماه مه
می رویم که وضع اقتصادی و معیشتی کارگران،
مزدگیران و سایر زحمتکشان در مقایسه با
سال گذشته باز هم به وخامت بیشتری گرانیده و
به مرحله فاجعه‌آمیزی رسیده است. شکست
سیاستهای اقتصادی دولت، که حتی بسیاری از
مقامات دولتی و حکومتی و نمایندگان مجلس
به آن اذعان دارند، آشکار شده و اعتراضات و
اعتراضات کارگری و کارمندی و شورش‌های
اجتماعی علیه این سیاستها و علیه وضع
اقتصادی و خیم تردد رنجبر اوج گرفتنداند. با این
حال دولت همچنان سیاستهای اقتصادی
جانبدارانه خود را ادامه داده است.

زمتکشان و کارگران ایران
در نیزدی که امروز در جامعه ما برای اصلاح
ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
حریان دارد، و برای پیروزی این نیزد که در
چنبره تقابل و توطئه طرفداران ولایت فقیه و
مخالفان اصلاحات در حکومت و جامعه گرفتار
آمده است، مشارکت مردم بطور کلی و شما
زمتکشان بطور خاص دارای اهمیت
تعیین کننده است. نیروهای اصلاح طلب در
دولت و مجلس برای تحقیق و تأمین شرایط این
مشارکت مسئولیت مقدم را بعدهد مارند، اما نه
در اتفاقات دولت و نه در مصوبات مجلس
نشانهای از درک این مسئولیت و ارادهای برای
عملی کردن آن دیده نمی شود.

شکلگیری چنیش کارگران و نمایش اول ماه مه

حبابت سند بکاهای کارگر فانسه از میادن کارگر این است

حمایت سندیکاهای کارگری فرانسه از مبارزه کارگران ایتالیا



کارگران معتضد ایتالیانی با پکارچکی در خیابان‌ها

در بزرگترین حرکت عمومی بیست ساله اخیر میلیون‌ها کارگر ایتالیائی بر ضد طرح تغییر قانون کار دست به اعتراض زدند. بنا بر طرحی که از سوی نخست وزیر و اتحادیه کارفرمایان ایتالیا تهیه شده با تغییر ساده ۱۸ قانون کار ایتالیا که سی سال پیش با مبارزه فراوان به آن امده است، کارفرمایان حق خواهند داشت آن روش خاطر کارگران خود را اخراج کنند. دولت ایتالیا مدعی است که مردم ایتالیا برای رسیدن به سطح اقتصاد جهانی و ایجاد اشتغال لازم است برای مدتی ایشاره کنند. ولی به توضیح می‌دهد که چرا این ایشاره را باید کارگران به سود سرمایه‌داری انجام دهند و چرا بر عکس کافرمایان نباید به خاطر منافع سلت «ایشاره» کنند.

پنج سندیکاهای کارگری فرانسه در اعلامیه‌ای شترک خطاب به سندیکاهای ایتالیا حمایت

نایاندۀ اتحادیه‌های کارگری فرانسه، لون، کارگری از ناحیه بردو، پیشنهاد کرد که این تقاضا (مطلوبه هشت ساعت کار روزانه) بایستی در تمام شیوه‌ها از طریق اعتضاب سراسری به نمایش درآید. نایاندۀ کارگران آمریکا، توجه کارگران را نسبت به تصمیم رفاقتی مبنی بر اعتضاب اول ماه مه ۱۸۹۴ جلب و گنگره تصمیم گرفت که این تاریخ را به عنوان جنبش کارگری در تاریخ اعلام کند.

در این مورد کارگرگان، چنان که سی سال پیش کارگران در استرالیا کردند، در واقع بر این گمان بودند که فقط برای یک بار (یعنی همان تاریخ تعیین شده) دست به چینی تظاهراتی می‌زنند. نکنگره تصمیم گرفت که کارگران سراسر جهان پایام تظاهراتی برای مطالبه هشت ساعت کار روزانه در اول ماده ۱۸۹۰ برگزار کنند. هیچ صحیح از تکرار آن در سالهای بعد نشد. مسلمان هیچ کس نمی‌توانست تاثیر برق آسانی را پیش‌بینی کند که ایده جشن و اعتراض جهانی کارگران چین به سرعت طبقه کارگر را در سرتاسر جهان به جنبش درآورد، و تصمیم برگزاری روز جهانی کارگران با موقوفت روبرو شده و به وسیله طبقه کارگر در سرتاسر جهان مورد پذیرش قرار گیرد. با این همه، این کافی بود که برای یک بار هم شده جشن اول ماده برگزار شود تا هر کس بفهمد و احساس کند که اول ماده ممکن است به مشابه تهادی ماندنی

فرسانه بیر کزان شود...
اول ماه مطالبه هشت ساعت کار روزانه را
مطرح کرد. اما پس از آن که این هدف تحقق
یافته، اول ماه مه به دست فراموشی سپرده شد.
مادامی که پیارز، کارگران بر ضد بورژوازی و
طبقة حاکمه ادامه دارد، مادامی که همه مطالبات
کارگران برآورده نشیده است و رحمتکشان
جهان از بیوغ بردگی رها نشده‌اند، اول ماه مه
نمایش سالانه‌ای از این خواست و مطالبات
خواهد بود و هنگامی که روزهای بهتری فرا
رسد. آن هنگام که طبقه کارگر در سرتاسر جهان
از قید استم و خودکامگی رها و سرونشت خود را
به دست گیرد، اوقات نیز بشیریت اول مادمه را
به یاد و خاطره و احترام به مبارزات سخت و
فرساینده و پیاریاری دردها و رنج‌های
رحمتکشان جشن خواهد گرفت. 囧



رزاں لوگ زامبوروگ

اینده مسرت بخش استفاده از یک روز تعطیل کارگری برای برگزاری جشنی که وسیله‌ای باشد برای دست یافتن به خواست کارگران منتهی بر شئت ساعت کار در روز نختین بار در استرالیا شکل گرفت. در ۱۸۵۰ کارگران استرالیا تصمیم گرفتند که یک روز به طور کامل دست از کار بکشند و با برگزاری گردشانی ها و جشن و تظاهرات قدرت خود را در حمایت از این خواست به نمایش بگذارند. تاریخ برگزاری این جشن روز ۲۱ اوریل تعیین شد در ابتدا کارگران استرالیا فقط را برای برگزاری این جشن در نظر گرفتند. اما این نخستین تأثیر نیرومندی بر توده‌های کارگری استرالیا گذاشت و به آنان برای پرگرفتن مبارزه و فعالیت‌های صنعتی به هدف ایستیقای حقوق خود، جان تازه‌ای پیشید؛ به طوری که آن‌ها مصمم شدند که این تأثیر را برگزینند.

دری ۱۸۷۰ میلادی بسیاری بسی را اول ساخته اند که در این فاصله، جنبش کارگری در اروپا رشد کرده و با سرزنشگی به فعالیت پرداخت قدرتمندترین نظاهر و بیان این جنبش در کنگره بین‌الملل کارگری در ۱۸۸۱ به نمایش در آمد. در این کنگره که چهارصد نماینده در آن شرکت کردند تصمیم گرفته شد که تئاتری داشت ساعت روزانه بایستی به عنوان نخستین مطالبه کارگری از سوی کارگران مطرح شود. در پی آن در واقع چیزی بهتر از این نمی‌توانست به کارگران چنین جرات و اعتمادی دهد تا بر تکید بر قدرت‌شان تصمیم خود را عملی و دسته‌جمعی دست از کار بکشند. عاملی سیطره و کارگران از این نمی‌توانست به برگان ابدی کارخانه‌ها و کارگاه‌های دخدمانند سرمایه‌داران جرات و جسارات بخشد از نیروهای خود را بسیج کردد به میدان بفرستند از این رو، ایده پرگزاری چشم کارگری به سرعت

۶۵ درصد جوانان معتقدند

روحانیون حرف جدیدی

برای آنان ندارند

میریاقری رئیس سازمان ملی جوانان در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت: «در دینی که اکنون در کشور ما به عنوان فرهنگ عمومی تبلیغ و ترویج می‌شود عصر عقلالایت و استدلال کسر نگشته است و در ترویج و تبلیغ این بخش احساسی و عاطفی آن بیشتر از استدلال مدنظر قرار گرفته است.

رئیس سازمان ملی جوانان با اشاره به نظرسنجی کارشناسان این سازمان آعلام کرد: بر اساس نظرسنجی انجام شده ۶۴ درصد جوانان اعلام کردند که روحانیون حرف جدیدی برای جوانان ندارند. وی افزود: «همچنین جوانان در این نیاز به دستگاه‌های دولتی، قضائی، مقننه و امنیتی همچویی شرکت کردند و باید از این باور نداشته باشند که آن دستگاه، برای آنها کار خاصی انجام نداده‌اند.

میریاقری در پاسخ به این سوال که آیا معتقدند اکنون بخوان چویت چهارشنبه جوانان را در برگرفته است؟ گفت واقعیت این است که جوانان امروز، خواسته‌ها و مطالبات فراوانی دارند که بدلاًی هنوز این خواسته در حد مطلوب پاسخ داده نشده است. اگر شرایط استقبال و فعالیت برآمدگاهی شادمانه بیشتر باشد پس از آن می‌گیرد.

میریاقری در پاسخ به این سوال می‌براند که با توجه به گسترش و توسعه ناشی‌گاری‌ها در جوانان آیا شیوه مسئولان کشور نباید تغییر کند، توضیح داد: من هم به تغییر شیوه در شرایط فعلی معتقد هستم، این تغییر در صورت امکان پذیر است که در حوزه سرمایه‌گذاری برای جوانان شیوه نوین را پایه گذاری کنم.

میریاقری این سوال را پاسخ داد: «آنکه در شهر تهران با وجود فرهنگ‌گاهها و مرکزهای تعلیمی غریب‌گویی و شنوی، تنها ۲۰ درصد تیاز جوانان پاسخ داده می‌شود. این در حال است که در شهرهای دیگر کشور از جنین اسکاناتی نظیر تهران پرخوردار نیستند و نیاز به سرمایه‌گذاری جدی دارند.

اعتباد، خواب از چشم دانشجویان ربوده است.

سالانه ۸۰۰ تن مواد مخدر در ایران مصرف می‌شود. وقتی در سال‌های اخیر به این حجم رسید که بچای توزیع در داروخانه‌ها به دست کاریان نوجوان افتاد، هر اتفاقی که ممکن بود بیفتد، افتاد. همه درها را گشود، درهای دیبرستان‌ها و مدرسه‌ها، امروز می‌بینیم در داشگاه‌ها نیز از سوی دانشجویان نایاب از کار و مایوس از ایندی به روی مواد مخدر نشسته‌اند. گشوده شده است. اگر چه مشخص نیست چند درصد دانشجویان درین اعتقاد هستند، ولی معلوم است که کم نیستند.

غلامرضا طبیقیان عالون دانشجوی وزارت علوم، تحقیقات و فن اوری در گفتگو با خبرنگاران می‌گوید: «براساس اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر در گذشته قشر دانشجو مکترین نرخ اعتیاد در جامعه را شامل می‌شد و لی برخوبی مسلکات و افسرده‌گی در میان دانشجویان باعث رشد گرایش دانشجویان به مواد مخدر شده است.

رشیدیان استاد دانشگاه و روانشناس در مورد گرایش دانشجویان به مواد مخدر می‌گوید: «شکلات خانوادگی، استرس‌ها و اضطراب‌ها، نگرانی نسبت به ایندی، احسان پوچی و بی‌ هویتی از جمله فاکتورهایی است که موجب شود برخی از دانشجویان به مواد مخدر آلود شوند.

وی می‌گوید: در حال حاضر آمار چندانی وجود ندارد که چه میزان از جمعیت دانشجوی کشور آلوهه به مواد مخدر هستند، اما واقعیت تلخ این است که طبق آمارهای ارائه شده در سال گذشته میزان آلوهگی این طیف جامعه در داشته است.

تیموری یکی دیگر از استادان دانشگاه می‌گوید: قشر دانشجو، قشر فهیمه و پیشوای جامعه فرهنگی کشور است این نظر با مطالعه و بررسی‌های اسپه‌های اجتماعی جامعه در صدد یافتن راهکارهایی جهت کاهش میزان جرایم در جامعه است، اما متأسفانه این طیف خود نیز اکنون در جرایم غلظیده است و این فاجعه است.

نتایج تحقیقات درباره بحران جنسی جوانان اعلام نهی شود

زیرساخت‌هایی لازم را ندارد و لذا عیوب بسیاری از شهروندان درگیر نیازهای اولیه هستند. از این رو چرخه‌های دیگر برخود می‌آید. مثلاً یک بخش مواد مخدر، اقتصادی است. در مورد مصاله جنسی این موضوع صادق است. موضوع طلاق، فقر اقتصادی، افزایش فاصله بین سن بلوغ و سن ازدواج... همه و همه در نهایت مجرم به شکل‌دهی یک چرخه اقتصادی می‌شود که به میزان تقاضا، عرصه نیز اتفاق می‌افتد.

احمد مشکنی معاون سازمان ملی جوانان می‌گوید: «موضوع مسئلله جنسی برای انسان اجتماعی و موضوعاتی است که همواره از آن به وجود ندارد. با این وجود این موضوع در جامعه مایه دلایلی تبدیل به یک تابو شده است». وی اضافه می‌کند: «ما در جامعه‌مان به صورت جدی اختلال در امور زناشویی را شاهد شدم. تعداد سیار زیادی از طلاق‌هایی که صورت می‌گیرد ناشی از عدم فهم و ناتوانی طرفین از برقراری یک ارتباط مطلوب جنسی است. امری که باعث می‌شود جامعه مادری یک ولع و عطش جنسی قرار گیرد».

او از این‌گهی بگویید عوارض و تبعات و آسیب‌های اجتماعی این «ولع و عطش» چیست. خودداری می‌کند و لی خاطر شان می‌گیرد. فرم این موضع عوارض سیار نگران‌کننده دارد و دختر که هر زاده می‌شود عرصه کننده دارد و شکل می‌گیرد».

جوانان در یک نگاه اشاره‌ای کوتاه به چند سازمان در صدر بحران‌های یاد شده از آن سال می‌برد، بحران شیوع مواد مخدر و بایه بحران معنیت نیست. این سازمان یکی از مهم‌ترین بحران‌های جوانان را «بحaran جنسی» عنوان می‌کند. در این حال چندین طبقه اجتماعی و موضوعاتی در قلمرو تابهای اجتماعی و موضعی است که همواره از آن به وجود ندارد. با این وجود این موضوع در جوانان پرده‌داری و گفته می‌شود که «اعاده و ویژگی‌ها کشور وضعیتی را پیش از آن موضع تغییر می‌کند. درین کتاب در شرح کوتاهی بر بحران جنسی جوانان ایران آمده است: «نیازهای شدیدتر و توصیه‌پذیری می‌شود. تصور شیرین ازدواج و مشکلات می‌شود و پاسخ‌گویندن حکومت در قالب این نیاز واقعی موجب شده تا بحران جنسی با ظهور و پیروز متفاوتی در دختران و پسران بوجود یابد». درین کتاب در شرح بیشتری بر این ماجرا افزوده

آن طرف نه!

این طرف نه!

لینچا پتشین دختر



فهیه جا دیوار است، بلند، خاکستری، سنگی... فهیه آن طرف؟ نه کدام طرف؟ هر طرف که می‌چرخد، صد تا، دویست تا، هزار تا نگاه سرزنش می‌کردد، صدتا، دویست تا، هزار تا دست دورش دیوار می‌کشیدند، بلند، خاکستری، سنگی، این طرف؟ نه... آن طرف؟ نه، این‌جای پتشین دختر، همین جا، چرا دخترنا، دخترنده، خوش یک سرخی است. همین، فقط یک سوال کافی است دخترهای فامیل را دور هم جمع کنید و پرسید که چند نفر دلشان می‌خواست از روز اول «پسر» به دنیا می‌آمدند؟ نتیجه‌گاه راهم می‌شود حسد زد. اصلاً سخت نیست.

پسرویدن آزوی بیشتر دخترهای این دوره و زمانه است. با این که صیح تاشب از این طرف و ان طرف توی گوششان می‌خوانند که دختر بزرگ‌گل است، دختر عزیز است، دختر فلان است، دختر بیان است، هیچ فایده‌دار ندارد. فهمیدن «چراشی» این آرزو، سخت تر از کار اول نیست. این بار تها چیزی که لازم است یک چفت گوش شنواست: ندو دختر، چلوی این جمی آدم نخند، همه دارند نگاهت می‌کنند. داشتگاه، داشتگاه، داشتگاه، خوش یک سرخی... زده به سرت؟ و یا به شکل خودمانی ترش: خیر از عمرت نیین، الهی هفت تا دختر بیاری اگر چه رسمی تر از این حرفاها خانوادگی می‌زیاد پیدا می‌شود، اخرین نمونه‌اش چندوقت پیش در مجلس اتفاق افتاد. بعنی و قیمت کنندگان مجلس بعد از کلی نقط و خطابه، هیکاران مردانشان را پوشاندند. فکر می‌کنند، با یک تلگر کردند که دخترها هم که نه خیر! آینه رهارها هم نیست، نهایت اعلام شد که نه خیر! آینه رهارها هم نیست، این وسط خیلی ها سعی کردند بهمند اشکال کار از کجاست، بلکه بشود رفع و وجوه عرض کرد. مثلاً این چیزی که دخترها را در آرزوی این قصه تغییر خود دختر خواست، ما هیچ وقت درست عمل نمی‌کیم. اگر عسی کنیم بفهمم که کی هستیم و چکار می‌خواهیم، بینجا که هیشه باید یک مردی باشد که به جای آن ها فکر کنند! یا از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس مذکور) هستند.

آن قدر که اگر پسرها وسط دنیای چشمی غرب

در امور اجتماعی دست بزنند. مهدی ظفری یک کارشناس مشاوره در مجتمع جوانان در مورد علت‌های بیکاری می‌گوید: «اگر چه بسیاری از جوانان قربانی کمود فرسته‌ای شغلی می‌شوند اما در حال حاضر باین بودن سطح دستمزدها، چند شغله بودن افراد و نبود امکان فعالیت‌های اقتصادی و از همه میهمانی نبود این عوامل بیکاری در کشور بشمار می‌رودند.

مرتضی نیک نام مدیر یکی از سازمان‌های خصوصی نیز معتقد است که نگاه «جون محوری» برای ایجاد بستر شغلی بسیار شدیدتر و توصیه‌پذیر می‌شود. تصور شیرین ازدواج و مشکلات می‌شود و نبود امکان فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری از عوامل نبود این عوامل بیکاری در کشور بشمار می‌رودند.

مرتضی نیک نام مدیر یکی از سازمان‌های خصوصی نیز معتقد است که نگاه «جون محوری» برای ایجاد بستر شغلی بسیار مهم است. این در حالی است که در جامعه ما عده‌ای معتقدند که جوانان نیزه‌های خام و

بی تجربه‌اند و برای تصدی امور باید هر زینه

می‌زد. گاهی به چپ و گاهی به راست، سیر را نه فکر او بلکه پاهای نسبتاً خسته‌اش تعیین می‌کند. افسرایی که به تندی از کنارش می‌گذشت، تنها صورت‌های بودند که هر از گاهی با عبور خود تنها سبب جایگاه هوا می‌شوند.

در مخلقه نه چندان جمع او تنها صندوقی با یک آرزو حفظ شده بود. گوهر جذاب این صندوق «کار» بود مگر نه اینکه کار جوهره ادمی است. تقریباً به هر جا که فکر شد سر زد بود اما هم منتظر یک فرصت بود.

این افکار که به ذهن خطرهای می‌کرد دیگر هیچ چیز و هیچ کس را نسی دید و کمک بر چین‌های پیشانیش افزوده می‌شد. گاهی عصبانی، زمانی غمگین و نالمید به نظر می‌رسید. این روزها به خانواده نیز رهی خوش

نشان نمی‌داد. رهیچه بود به قول خودش در «بحaran» پسر می‌بود. پیش از ورود به داشتگاه فکر می‌کرد با این بود این خطرهای اینچه از مراکز داشتگاهی، کار دخواهش را نیز خواهد یافت. با این افکار بود که این روزها به خانواده نیز رهی خواهد شد.

فاطمه شهرابی، کارشناس امور اجتماعی و مشاوره نیز در این صورت گفت: بیکاری و سرگردانی جوانان تبعات مختلفی دارد و بیویه این که این امر تاثیر بسیار نامطلوبی بر وضعیت خانواده دارد.

شدادن که این امر خود نشان می‌دهد که بخش‌های فنی و حرفه‌ای جامعه توان بالاتری برای جذب جوانان جویای کار و تقریباً دورده‌یده دارد.

با این اینجا که هیشه باید یک مردی باشد که به جای آن ها فکر کنند! یا از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس مذکور) هستند.

آن چیزی که دخترها را در آرزوی این قصه تغییر خود دختر خواست، ما هیچ وقت درست عمل نمی‌کیم. اگر عسی کنیم بفهمم که کی هستیم و چکار می‌خواهیم، بینجا که هیشه باید یک مردی باشد که به جای آن ها فکر کنند! یا از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس مذکور) هستند.

آن چیزی که دخترها را در آرزوی این قصه تغییر خود دختر خواست، ما هیچ وقت درست عمل نمی‌کیم. اگر عسی کنیم بفهمم که کی هستیم و چکار می‌خواهیم، بینجا که هیشه باید یک مردی باشد که به جای آن ها فکر کنند! یا از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس مذکور) هستند.

آن چیزی که دخترها را در آرزوی این قصه تغییر خود دختر خواست، ما هیچ وقت درست عمل نمی‌کیم. اگر عسی کنیم بفهمم که کی هستیم و چکار می‌خواهیم، بینجا که هیشه باید یک مردی باشد که به جای آن ها فکر کنند! یا از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس مذکور) هستند.



سنگین و بی خجال در کوچه و خیابان پرسه

نه فکر او بلکه پاهای نسبتاً خسته‌اش تعیین می‌کند. افسرایی که به تندی از کنارش می‌گذشت، تنها صورت‌های بودند که هر از گاهی با عبور خود تنها سبب جایگاه هوا می‌شوند.

در مخلقه نه چندان جمع او تنها صندوقی با یک آرزو حفظ شده بود. گوهر جذاب این صندوق «کار» بود مگر نه اینکه کار جوهره ادمی است. تقریباً به هر جا که فکر شد سر زد بود اما هم منتظر یک فرصت بود.

این افکار که به ذهن خطرهای می‌کرد دیگر هیچ چیز و هیچ کس را نسی دید و کمک بر چین‌های پیشانیش افزوده می‌شد. گاهی عصبانی، زمانی غمگین و نالمید به نظر می‌رسید. این روزها به خانواده نیز رهی خوش

نشان نمی‌داد. رهیچه بود به قول خودش در «بحaran» پسر می‌بود. پیش از ورود به داشتگاه فکر می‌کرد با وادساقن به یکی از مراکز داشتگاهی، کار دخواهش را نیز خواهد یافت. با این افکار بود که امیدوار بیش می‌رفت. اما اکنون باز هم خود را بیکار می‌بیند و با داشتن مدرک داشتگاهی باید باز هم در صفحه بیکاران جویای کار است.

البته او دیروز دیلمه بیکار بود و امروز لیسانسی بیکار!

اکنون مفضل بیکاری یکی از واقعیت‌های مهم کشور است که در صورت عدم اتخاذ تدابیر صحیح برای رفع آن، امنیت و اقتصاد کشور را با خواهد کرد. گفته که گفته کارشناسان

بحaran موافق خواهد کرد. بیکاری جوانان از علل مسائل اجتماعی معضل بیکاری تبعات مختلفی ایجاد کرد. این که این امر تاثیر بسیار نامطلوبی بر وضعیت ایشان دارد. این که همراه بازدید از اینجا که دخترها خیلی عزیزتر از هم نواع دیدگر (جنس م

کنگره فدائیان (اکثریت) و واکنش‌ها

سہراب مبشری

همگرائی در درازمدت، اصول مشترک برپایه‌ای و اعتقاد به اهداف اجتماعی و سیاسی واحد است. هنوز جامعه ما معضلی بسیارگی بین در پیش رو دارد که عبارتست از جایگزینی استبداد با جمهوری مبتنی بر تعاقب تمام قدرت به نهادهای انتخابی. این، مهم‌ترین اصل مورد پذیرش همه اعضاً سازمان اکثریت است که البته مختصات دمکراسی، سانده تنایوی بودن و محدودیت زمانی قدرت، رعایت حقوق بشر، عدم تصریک قدرت، رفع تبعیض جنسی و تأمین حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز بر آن افزوده شده است. لاقل تا زمانی که این اهداف تأمین نشده‌اند، نیروی همگرائی در درون این سازمان بر اساس این مشترکات وجود دارد و در جهت عکس نیروی واگرا عمل می‌کند. خود روند تعیین تکلف میان این دو نیرو نیز پرسه‌ای دمکراتیک است. پاسخی که هر کنگره به این معضل می‌دهد، پاسخی ابدی نیست و باید بحث در این باره باید همواره باز باشد که شکل مناسب هیکاری میان نیرویی که حمایت از اصلاحات را وظیفه اصلی خود می‌داند و نیرویی که می‌خواهد در صفت اپوزیسیون کل حکومت قرار گیرد، کدام است. در سازمان اکثریت، این دو مشی به زعم طرفدارانشان در خدمت هدفی واحد قرار دارند که می‌توان آن را در واژه «جمهوری» یا «اُد دمکراسی»، خلاصه

کرد.
رادیکال ترین انقلابیون، مشی رفمیستی را در خدمت دشمنان انقلاب می داشند و مستقابلان مخالفان هر گونه تحول انقلابی در میان رفمیستها، عقیدنده عملکرد انقلابیون پیش از آنکه به روند اصلاحات خدمت کند، به آن لطمه می زند. اما در سازمان اکثریت، هیچ یک از این دو بخش رادیکال در میان انقلابیون یا رفمیستها نیروی غالب نیستند. در نتیجه، برای ناظر بپرونی، شاید تصویری از یک سردرگشی

برای تصحیح این تصویر، باید وجود اشتراک و اختلاف با صراحت پیشتری فرموله شوند. برخلاف برخی تصویرها، اشتراکات تنها به اهداف سیاسی میان مدت و درازمدت محدود نمی‌شود و پیماری از عرصه‌های عمل سیاسی روزمره را نیز در بر می‌گیرد. دفاع از زندانیان سیاسی، پیچ حمایت بین المللی از حقوق بشر در ایران، حمایت از اصلاحات از طریق شرکت در مباحث محافق سیاسی داخل کشور و انتقال تجارب سیاسی به نسل فعالان جوان، تنها برخی از عرصه‌های فعالیت است که می‌توان در آن از موضوع اصلاح طلبانه یا انقلابی مشارکت جست. در صورت تداوم این اتحاد عمل ضمن پذیرش

مواضع متفاوت مثلاً در انتخابات، چرا باید نگران آن بود که به جای حزب سیاسی دارای اراده واحد، به سازمان اکثریت به عنوان چیزهای که اعضاً آن آگاهانه برای دستیابی به اهدافی واحد گرد هم امدانند بنگرند؟ چرا باید از تداوم مباحث دمکراتیک که سازمان واحد، بستر مناسبی برای آن ارائه می دهد هراس داشت؟

اگر «تحمل عقیده مخالف» تنها پیامی باشد که این نسل سیاستمن میان سال ایرانی دارند، رسانیدن این پیام به زحماتش، به مباحث ظاهراً ملال آور. به تحمل نیش و کنایه این و آن و به شنیدن تقدیهای توأم با انسانی می‌آزد. ﴿

هر روندی پرای خود مرآخیلی دارد اگر صرحله اول
این روند را می‌پاسی جناحی از حکومت رقم
می‌زد که زد و دیگر دوران خود را پسری کرد است
امروز بطن و درون جامعه ایران را باید پرای ادامه
اصلاحات فراخواند. اصول متناقض با جمهوریت.
می‌تواند در درون همان قوانین جای خود را به
نهادهای مدنی و مردمی بدهد. اگر در روند
اصلاحات به مردم به شکل اشکار و نهادی رجوع
شود شخصی است که جمهوریت در قوانین و زندگانی
برای داداهه تبدیل آسیب‌نمایانه از

خواهد بود.
اصلاحات را مانعی، گذرا پنداشتن و یا به
اصلاح طلبان حکومتی پیش از اندازه بیادان هر دو
به یک راه ختم خواهد شد. این راه نه شکست بلکه
منتفعل شدن اصلاحات خواهد بود. اصلاحات انتخاب
ناگزیر جامعه ایران است، همانگونه که انقلاب بهمن
انتخاب ناگزیر آن زمان بود. اصلاحات پسیدهای
است که در دون ساختار ایران پسیده‌آمده و آن را
زوالی نیست. گرچه شاید در مقاطعی رشد و نسو آن
خیلی به کندی صورت گیرد.
بیان صریح موافقی که باعث کندی روند
اصلاحات می‌شود و پیشگیری از توطئه‌های سیاسی
و اقتصادی مخالفین اصلاحات امری است که باید با
مردم پیوسته در میان گذاشته شود و به پشتانه
نیزی رو مردمی از جمهوریت و مردم‌سالاری بر علیه
ولایت در روند اصلاحات رجوع شود.

مطالعه برخی گزارش‌هایی که از هفتمنی
کنگره سازمان اکثریت مسخر شده است،
تصویری تیره و نومیدکننده از این رویداد و
عواقب آن به دست می‌دهد. «کنگره بحران»،
«سازمانی که در تعیید پیر می‌شود»، «فتدان
صدای از اعماق جامعه»، «خلاء ناشی از فقدان
بحث‌های سیاسی» و غیره، عباراتی است که
حاوی ارزیابی‌های قسم‌منفی و پاس‌آور از
کنگره اکثریت است.

زمانی بود که هر یک از سازمانی‌ای چی،
ادعای رهبری انحصاری طبقه کارگر را داشت و
به کمتر از هژمونی خود در جنبش دمکراتیک
رضایت نمی‌داد. آن زمان، برای همیشه به
گذشته تعلق دارد. امروز، پخش مشکل جنبش
چپ ایران در گروه‌ها، احزاب و سازمانهای
متبلور است که حکومت سرکوبگر جمهوری
اسلامی، اعضاً آنها را به تعیید رانده است.
پخش بزرگی از فعالان این گروه‌ها را کسانی
تشکیل می‌دهند که اگر به خارج از کشور
مهاجرت نمی‌کردند، اکنون یا در کنار شمار
کثیری از دیگر اعضا و هواداران سازمانهای
چپ در زیر خروارها خاک خاوران ارمیده
بودند و یا با تن و جانی خسته و فرسوده از
سالیان شکنجه و زندان، شاهد آن بودند که
بازجوها، کماکان نورچشمان حکومتی و به
مقامات بالاتر نیز دست یافته‌اند. حق
دمکراتیک هر انسان است که جان و عمر خود را
از دستبرد کسانی دور نگه دارد که گوشایی از
رفشاران با آدمها را در فیلم بازچوئی می‌تمهیان
قتل های زنجیره‌ای دیدیم، رفتاری که در مورد
غیرخودی ها سیار وحشیانه‌تر از صحنه‌هایی
بود که دیدیم، صحنه‌هایی که مو بر تن انسان
راست می‌کند.

پس اکثر فعالان چپ در مهاجرت، به کسی
پاچ در مورد اینکه چرا به مهاجرت آمدند و
چرا خوز حکومتی را بر سر کار است که حاضر به
دادن تهدید در موره نکنم تعییب آنان نیست،
بدهکار نیستند. پیری‌شن این مهاجران در
غربت، به تقسی خود انان نیست، یکی دیگر از
چنایانی است که مستبدین حاکم پرکشوارها
مرتکب شده‌اند و هنوز با جلوگیری از بازگشت
ازادانه مهاجران، آن را آدامه می‌دهند.

این نیز کشف تازه‌ای نیست که متوسط سن
اعضای سازمانهای چپ و از جمله اکثریت،
هرهار با گذشت ایام افزایش یافته است یا به
عبارت دیگر، این سازمانهای به علت دوری از
جامعه ایران، توانایی اند از میان جوانان ایرانی
نیروی مشکل کسب کنند. لاقل سازمان اکثریت
نشریات خود، به این کاستی به عنوان
مقالات مضرات خود، به این میهمانی مغضبات خویش پرداخته است.

به دولتی که می‌گویند در تعیید پیر شده‌اید
و به خون تازه‌ای در رگ‌های سازمانات نیاز
دارید، پاید گفت آری، حق باشیست. هر چند
این، قربانی ناچیزی در مقایسه با جان‌هایی
است که باران ما بر سر عقیده خود نهادند، اما
نیمه عمری که دور از اینه علایق و رشته‌های
دولتی و هوانی که به آن خوکرده بودیم و
وازدهانی که با شیر مادر مکیده بودیم، سپری
شد، قربانی مادر این راه بود. این حق
دمکراتیک ما بود و هست که در درجه اول نه
خود را، که زمامداران را بابت کنندشدنان از

وی همه چی به صورت عالی پیش خواهد رفت. اما واقعیت‌های موجود در جامعه طور دیگری خود را به نمایش گذاشت. متفاوتی و حلات محافظه کاران و خشونت طبلان دینی و اقتصادی و عقبنشینی‌ها ملاحظه کاری‌ها و هراس اصلاح طبلان حکومتی، و از طرفی دیگر خواسته‌ها و توقعات اجتماعی و اقتصادی جامعه جوان ایران که امکان برآورده شدن این خواسته‌ها از دیدگاه اصلاح طبلان حکومتی یعنی فروپاشی جمهوری اسلامی باعث تردید و یا نیز روی اصلی اصلاحات به اصلاح طبلان حکومتی و ایندۀ اصلاحات شد است.

این همان بنیتسی است که آن‌ها برای خود به بار اورده‌اند در واقع این اصلاح طبلان حکومتی مستند که در بنی‌بست قرار گرفته‌اند، نه پدیده و روند اصلاحات که مخالف استبداد، خودمحوری و دین سالاری است. آن‌ها اگر دیروز خود را اغازگر اصلاحات می‌دانستند امروزه خود به یقین می‌دانند که این روند از دست آن‌ها خارج شده است (هر چند که به ظاهر این روند بسیار احسته به پیش می‌رود). جامعه ایرانی پدیده‌ای را بحسب زمان و شرایط حکومت جمهوری اسلامی به وجوده اورده و این پدیده تابع حرکات و نظرات اصلاح‌گران از طریق ارگان‌های حکومتی گردید. اما دیگر این پدیده می‌رود این وصله را که مسوج بستی گردیده از خود و اکنون این روند نشانگر آن است که ایا اصلاح طبلان حکومتی باید خود را برآوردن اصلاحات

آقای رضا پهلوی! مباداکلید زبانستان در جیب شارون جاماند

فرخ نگهدار

است. گرچه می‌دانم که از متن بند مربوط به کشورهای عرب در اعلامیه ۱۰ آوریل نشست چهارگانه (Quartet) مادرید مطلع‌اید، اما برآن شدم که ترجمه فارسی آن را در اینجا پیوسم تا شمارا به تاملی جدی‌تر درباره یک عمل رشت ترغیب کرده باشم. اعلامیه می‌گوید: «ما از جامعه بین‌المللی، به ویژه کشورهای عرب، می‌خواهیم که مقامات دولت خودگردان فلسطینی (Palestinian Authorities) را، از جمله در کوشش‌ها برای بازاریابی زیرساختمانی و احیای قدرت حکومتی و امنیتی فلسطین، مورد تقویت، محافظت و حفایت قرار دهند».

متوجه شدم که شناسنامه خواهید با این درخواست معقول و حلمنه‌جوانه مشترک هم‌صدای بوده باشد. متوجه شدم که شما می‌فهمید که راه جلوگیری از بمب‌گذاری انتحاری، به لحاظ تاکتیکی تقویت اقتدار دولت فلسطینی و به لحاظ استراتژیک پیشرفت روند صلح در مقابل زمین است، اما چون آقای شارون حقیقت را، حتی خبر را، وارونه می‌کنید، شما در کانون ملی مطبوعات در آمریکا همان لحظاتی به کلام آمده‌اید که وجدان جامعه بشری از جنبایات هولناک ارتش اسرائیل در چنین بد تکان آمده و موج یک همدردی صمیمانه و می‌چشمداشت را با اینکه زیر چرخ تانک‌ها له شده و هنوز در زیر اواره‌های متفغم مدفعون مانده‌اند، به صفحه همه روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها کشانده است. اما شما در باره جنین سکوت کردید و این سکوت مرا ترساند. از سکوت شما بموی همان حرشهای آقای رجوی به هنگام جنایات صدام در حبچه بر می‌خیزد، او نیز وجدان انسانی را - البته به شیوه‌ای بسیار بدوفی تو از شما - به پای طامع قدرت طبلانه پیش فروش کرده بود.

و ایکاش شما، همچون ۱۱ سپتامبر، در رابطه با جنین نیز می‌نوشید: «هیچ واژه و عبارتی نمی‌تواند اندوه و اتزاجار عقیق مرا از اقدام پیداگرانه و جنایات کارانه پلید امروز صحیح بیان کند. این حمله و حشاینه و ضایعه بشری ناشی از آن با هیچ معیار انسانی قابل توجیه نیست».

ایکاش ظلم، آدمکشی، خیانت به حقیقت و بی‌پرنیستی برای همه ما، همه جا و همیشه نفرت‌انگیز بود.

در خاتمه باز صمیمانه می‌گوییم که علت این مصیبت در رفتار سیاسی، عقیدتی و شخصیتی را در تعهد شایه هاشمیانگی سیاسی با نهادهای معین قدرت در ایالات متحده آمریکا و اسرائیل (پتانگون و موساد) می‌بینم و برخلاف بسیاری، از اسرائیلی یا امریکائی نامیدن این رفتار و منش عیقاً نگران و گریزانم. زیرا من ملی‌گرا نیستم و نمی‌خواهم در تولید ذرای نفرت، یا حتی یادینی، نسبت به ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل شریک باشم، برای من خاک و خون اسرائیلی یا امریکائی یا فلسطینی یا رواندانی همانقدر عزیز است که خاک و خون ایرانی.

متن سخنرانی دیروز شما در کانون ملی مطبوعات آمریکا را خواندم و بسیار متأسف شدم، برداشت من این بوده است که شما و بخشی از جریان طرفدار احیای سلطنت می‌خواهید در رفتار گذشته خود با حقیقت تجدیدنظر کرده و عزم کردید و دادید از نظرتی که اقلاب پیش را زانید، درس یکمیزید، من برای این برداشت ۱۱ سال پیش مکث کردید بودم.

اما از زمانی که محافظه‌کاران در آمریکا و شارون نیسم در اسرائیل پیروز شد با هر رویداد که می‌گذرد برای اذখان این سیاست چنان‌جذبی تر می‌شود که آیا واقعاً از گذشته درسی گرفته شده است؟ زبانی که شما از زمان بهم قدرت رسیدن جرج دبلیو بوش، و به ویژه پس از جنایت ۱۹۷۲ سپتامبر به کار می‌برید، هر زمان چنان‌جذبیت عقل سلیم را به میان کس نشانی می‌داد که اعتشن را در گرو تاجش در پستانگون و موساد مشترک اتخاذ کنند تا «کشورهای عربی تکلیف اقایی عرفات را روش کنند». و من در سیاست این ارزوه سه بعد شخصیت سیاست و جهان‌بینی کسی را می‌بینم که ته تهها عقل، که وجدانش را نیز پیش‌پاسداران پادشاهی پدرش، برای بازیافت آن، از همین حالا پیش فروش کرده است.

کلام شما می‌گوید توقع شما از سفر پاول این بوده که «تکلیف عرفات را روش کنند» و این همان صدای بی‌تغیر مردی سنگدل است که جزو بدینختی پیشتر، مرگ بیشتر و خشی فروزانتر هیچ «تحفه» دیگری برای ملش نداشته و نخواهد داشت.

هدیلی و همسدانی بسیاری از اسرائیلیانی که دهدوها را بایم از حمله اعراب سر بر بالین گذاشته‌اند، با شارون همانقدر قابل درک و طبیعی است که هدیلی و همسدانی بسیاری از اعراب - که برای دهدوها به دست ارتش اسرائیل خانه‌خراب، قتل عام و رها شده‌اند - با نهیت تعلیم‌گذاران انتحاری. اگر آنها دنیا را راست شما همان ارزوی به غایت نایخته، مستعجل و مغرب شارون، - تعین تکلیف ساعرات را می‌گوین - بی‌کوچکترین تأمل سیاسی، تکرار می‌گزینند؟ آیا متوجه هستید که شهاده را بر هر شاهمه تیز می‌بنید که بتواند آن را به حسابی جز نداشتن استقلال فکر بنویسد؟

اما کاش تلغی کار در همین حد بود. شما دیشب گفتید ادقایان پاول، ایوان، سولانا و عنان در نشست چهارگانه در مادرید «یک موضع مشترک اتخاذ کردن که کشورهای عربی تکلیف آقای عرفات را روش کنند». شما انتظار تلغی آقای شارون از سفر پاول به منطقه را در جامعه «خبر» پیچیده‌اید و این خیانت به حقیقت

دو راه پیش روی اصلاحات

میرصادق غفاری حسینی

بحث اصلاحات، شکل، نوع و آینده آن نه تنها محور اصلی بحث کنگره سازمان فدائیان اکثریت بوده، بلکه شاخص اصلی جامعه ایران در چهار مروزات است.

در داخل جامعه اصلاح طلب ایرانی هر طبقی، از اصلاحات برای خود تعریف و خواستهای دارد. طبقی کونگر طبقی پرنگر تر، گروهی سریع تر از صریح تر و گروهی اهانتگر و پوشیده، روشن است که احزاب و سازمانهای سیاسی اصلاح طلب داخل و خارج کشور نیز از این امر به دور نیستند. تحلیل معاشر انسانها بر توانایی متفاوتی از روند اصلاحات راهنمی کرد که بعضی این بر تواندهای روزه دیدگر به مراتب دور و برخانزدیک به هم نشستند.

سازمان ما نیز از این امور مستثنی نیست و کنگره انتظام شناختگر این پدیده بود و این برای سازمان ما هری است مثبت که می تواند نظریات متفاوت از هم ایدزیرا به بحث بگذارد.

مقاآمت قدرت سیاسی حاکم و یا پیش است گذته بسود قدرت سیاسی انتسابی که حق مردم را به میثمت نسی شناسد و خود را ملک انتخاب و اراده درود می داند در برای اصلاحات، غمچان شگرها تا تائیک های انتخابی آن برای به شکست کشاندن اصلاحات از یک طرف روش های اتخاذی صلاح طبلان حکومتی در مقابل حملات

مساله زبان:

به تاریخ پنجم دسامبر ۲۰۰۱، پهله گروه

«متخصص افغانی» در بن - پایتخت پیشین

آلان - موافقنامه را بایان‌گزیر سازمان

ملل، به امضا رسانند. طبق این موافقنامه

قانون اساسی ۱۴۳ خ ۱۹۲۴ / دو ران محمد

ظاهر، شاه باقی افغانستان تا تصویب قانون

اساسی جدید، بد استثنای فعل پادشاه / فعل

دوم / برای دو سال میباشد. همچنین بر

بنیاد همین موافقنامه شاه باقی افغانستان قرار

است که «لویه گرگه» / مجلس بزرگ /

فارسی را در استقامت آسیای صغری گشترش

دادند، همچنین می‌توان در همین راسته درباره

نه کرد، باعث خواهد داشت، تصمیم اتخاذ

می‌نماید.

در قانون اساسی ۱۹۶۴ م در «فصل اول،

دولت» در باره زبان‌های رسمی افغانستان چنین

آمده است:

«ماده سوم: از جمله «زبان‌های افغانستان

پشت و دری زبان‌های رسمی می‌باشد»، ۱۳

در «فصل سوم» قانون اساسی مذکور زیر عنوان

«حقوق و وظایف اساسی مردم» در مورد

زبان‌های افغانستان، سیاست تعیین الود و

نشان برانگیز اتخاذ گردیده به توجه که از جمله

زبان‌های افغانستان زبان پشت به حیث یگانه

«زبان ملی» کشور معزز شده و دولت

افغانستان تنها موطن به «انکشاف و تقویه

زبانین آذین می‌باشد» گردید. در این زمینه، بد ماده

زیرین قانون اساسی شاه، توجه زیرین خواند:

«ملی پشت و وضع و تطبیق کند»، ۱۴

میانا قارگر قرن قانون اساسی جدید از

یک سو، افتتاح «لویه گرگه» توسط شاه ساقب

پر انسان «موافقت‌نامه بن» از سوی دیگر، یکی

از نکات جالب و قابل تأمل است. تاریخ عجب

ابوالعبیسی‌های در استین دارد.

بعد از تاسیس «اداره موقت» در کابل، بار

تعیین الود دروان شاد و به حاشیه‌راندن زبان

فارسی دری بد استاد قانون اساسی ۱۹۶۴

شنبیده می‌شود. این امر بار دگر جامعه ما را به

سوی تنش زبانی سوق می‌دهد.

علمون می‌گردد که «نظام طالبی» رخت

برپسته است ولی فکر و سیاست طالبی که در

عرصه زبان عمدتاً مبنی بر محدودکردن و به

حاشیه‌راندن زبان فارسی دری استوار بود،

غیرگرایی اینکه طلاق طالبی و دیدگاه‌های طالبی بدون

حضور نظام طالبی» در جهت به حاشیه‌راندن، ریشه در

زبان فارسی دری در افغانستان، زبان

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در زمینه ارائه کنم.

است و هم و انش و هم و سیله ارتباطین انسان بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

ماده فکر و اندیش که در زندگی

شناختی می‌باشد. این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

سته‌ها در کنار هم زیسته و طبعاً بهم

سته‌ی این اتفاق اتفاق نداشت. آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

که در این زمانه این امر بوجود آمده

ماده فکر و اندیش و هم و سیله انتشار آن. زبان به

شایسته بارزی که در این زمانه این امر در

تندی ماست.

اما مساله زبان در افغانستان، از روزگاری که

را خواهید و می‌باشد. تاریخی و تبعیضی

قرارداده شد که در دوره کوشکانه زبان

دیگر قوهای انتظامی و اداره این امر در

سیاست‌های این امر بار دگر جامعه ما را به

در سرزمین می‌زیند.

پیام‌های احزاب سیاسی به هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام جبهه ملی ایران
(در اروپا)

«بنام خداوند جان و خود»

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۸۱ برلن

پیام کمیته مرکزی
حزب توده ایران

به کنگره فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

کمیته حزب توده ایران، ضمن تبریک برگزاری هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درودهای گرم خود را به شما و همه رفقای فدائی تقدیم می‌کند. مبارزه در راد استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سویا لیست ارمانها و اهداف بزرگی هستند که ما را به یکدیگر پیوند می‌دهند.

حزب توده ایران از همان تختین سال‌های پایه‌گذاری جنبش دادایان، با وجود اختلافات تفرقه، در هم کوپیده شد و از میان رفت. و یاد می‌آوریم، شاید آخرین کسی بود که توانست در زندان شهربانی محاروم از زنجیرهای استبداد و دیدارهای شهربانی را در کنار هم در یک سنگ قرار می‌دهند.

ما هچون شاید همای و تاکید داریم که اتحاد

عمل نیروهای مترقبی، ملی و آزادیخواه، میهن می‌باشد.

زندان قزل لعله با هم به سر برده... خیلی زود

همدیگر را بدرستی یافتم و جذب گفتار و شنود

و کشش‌های هم شدیدم تا روزی که بیژن مصمم و

قطله، در اندیشه مبارزه مسلحانه قرار گرفت و

راه را در آن سو پیمود.

او در زندان شهربانی قم به دو گفتار

یا پرسید و داشت، نخست آنکه می‌گفت: به یقین

از این زندان آزاد نخواهم شد و دیگر می‌گفت:

ای کاش، ماست به اسلحه نمی‌بردیم و همدوش

و همتد به مبارزه مشترک سیاسی خویش

تداوم می‌بخشیدیم، حاصل شده نه ان تفرقه‌ها

بود، و نه این فترت و تعطیلی زریغ که سپاهی

conde سیاسی کشور را پوشاند، و نه من در این

بند اسرار در انتظار جوخد مرگ باشم... که هر

زمان پیاپی این سخن او هستم به زرفای تجویه او

و شهامت بیان آن و پایرسدی او در راهی که

داشت... باز هم با احساسی سرشار از احترام،

یاد او را دارم که او و بسیاری دیگر، در راد

آزادی وطن، مردانه جان باختند و میراث تجویه

و پنداش را بر نسل‌های آتی ارزانی داشتند تا

تجویه انان چراغ راه اینده باشد. کنگره‌تان

پیروز و راهانش برای آزادی و آزادگان پردازم

باد، که آزادی وطن و استقرار حاکمیت ملی بر

بستر پهناور ایران زمین، همیستگی ملی را

می‌طلبیم. و این درسی از سردار پیرمان، ابر مرد

تاریخ ایران زمین، دکتر محمد مصدق بود که

خود در اسارت و همیشه در راه سرپلندی ایران

و آزادی و حاکمیت ملی، مرارتها را بجان خرد

تاجان باخت.

درود بر همه آزادگان و شهدای راد آزادی،

پیروز ملت بزرگ ایران

و نیس شورای عالی جمهوری اسلامی ایران «در اروپا»

مهندسان مددی مقدسیزاده

باریس ۸ فوروردین ماه ۱۳۸۱

پیام نیضت
 مقاومت ملی ایران

به کنگره فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دستان عزیز!

اعضاء کنگره و همکاری کوشش‌گران سازمان شما را به شما

اعضاً کنگره و همکاری کوشش‌گران سازمان شما را به شما

ضمیمانه تهییت می‌گوییم.

لازم می‌باشد که برای حضور نساینه

خود را از دعوتی که برای راد داده اید به

اطلاعاتن برسانیم و تقاضا کنیم از اینکه علیرغم

تغایر طبیعی به اجابت این دعوت موقوف به

اعزام نساینه‌ای برای حضور در کنگره نشیدم

تا سفیر این اکثریت این را برقاً از این دعوت

آیینه اندامه امکان‌های دیگری را برای چنین

دیدارهای میان نساینه‌گان ما و شما فراهم

آوردم.

شک نیست که در اوضاع کنونی که علیرغم

دامنه جنش مردم برای اصلاحات بمنظور

تغییرات اساسی، کشور هر روز بیشتر در

سیاستی سقوط فرو می‌رود، و شرایط شدیداً

اشفته و بحرانی بجهانی که در آن یک برق

منحصر به فرد، برای تامین منافع گروهی

محدو، داعیه سرکردگی و سروری بر سراسر

ادامه در صفحه ۱۱

پیام جبهه ملی ایران
(در اروپا)

به کنگره فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دستان گرامی،

جمهوری خواهان ملی ایران امیدوارند که

کنگره سازمان شما در بیان سال ۱۳۸۱ در روند

تدابع نوسازی تشکیلاتی و تحولات نظری

اعضای آن زمینه‌ساز حضور مسوئ شما در

صحنه مبارزات سیاسی ایران برای دستیابی

به آزادی و دمکراسی باشد.

استراتژی مشترک سازمان شما و ما تاکنون

بر ترویج تحولات سیاسی و پشتیبانی از

خواسته‌های جنبش اصلاح طلبی چه در پیشنه

عمومی و چه در سطح حکومت استوار بوده و

هدف مشترک ما بین در این گذار هز دستیابی

گام به گام به یک نظام عرفی، دمکراسی،

عدالت اجتماعی و احتراف حقوقی بشر نبوده است.

از زمان اوین انتخاب اتفاقی خاتمه به

ریاست جمهوری تا به امروز بگمان گام‌های

موثری در جهت بازشنده فضای بسته سیاسی

ایران برداشته شده، که این بیش شک حاصل

تلاش اصلاح طلبان حکومت هم در جهت

پرآوردن بخشی از خواسته‌های ایران بوده

است. اما متناسبه امروزه بخشی از اصلاح گران

فوقانی شده است. مردم خواهان تحولات

اساسی در جامعه هستند. بخوبی هستند

ریاست‌جمهوری این کنگره تا این

دستگاهی اصلاحات خواهد

می‌شود در حقیقت بازتاب سطح جدیدی از

تواریخ نیروهای سیاسی درون رفتار

پیویش حاصل رود روندی ارگان‌های انتخابی و

انتصابی حکومت در این سطح از توازن سیاسی

بیش آمد که خط مشی اصلاح طلبی می‌شود

ریاست‌جمهوری اسلامی ایران

آنچه این را می‌شود

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این چند سال اخیر نشان داد

ایرانی این امامزاده نایاب انتخاب هیچ معجزه‌ای

برنامه‌ای برای حل این مشکل نداشت بلکه

خط خود رسیده اند

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

با این بخشی از خواسته‌های ایران

بدهند. اما توجهی این این بخشی از خواسته‌های ایران

